

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره اول، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۷-۱۹۵ New Period, No 1, 2017, P 177-195

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

مفهوم شهید و شهادت در اشعار سید حسن حسینی، محتشم کاشانی، عمان سامانی

مهدی حاجی مزارانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، ایران

#### چکیده

شهادت و فرهنگ پر بار آن جامعه و از جمله انسان‌های پاک سرشت را در مسیر تعالی قرار می‌دهد و بستری را فراهم می‌سازد که انسان خود را از بند و زنجیر مقیدات و تعلقات فردی و دنیوی برهاند. این مهم بر تمامی عرصه‌های حاکم بر جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی از جمله ادبیات خاصه شعر تأثیری ژرف می‌نهد. ادبیات منظوم در جریان انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی ناب‌ترین صحنه حضور پر شور مردمی و ایثار و جان‌نثاری برای دستیابی به زندگی باعزت و جنگیدن تا پای جان را با بیانی ساده و فصیح و ملموس به تصویر کشید. این مقاله در پی مفهوم شهید و شهادت در آیین شعر شاعران معاصر فارسی است.

واژه‌های کلیدی: شهید، شهادت، محتشم کاشانی، عمان سامانی، سید حسن حسینی

**مقدمه:**

شهید به عنوان برترین مجاهد و شهادت به عنوان عالیترین مرحله جهاد، از عمده‌ترین ارزش‌های مفهومی در اسلام است؛ چنانکه خداوند در قرآن شریف فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید با هر کدام از کافران که به شما نزدیک تر است به جهاد و کارزار پردازید و باید آنها در شما درشتی و قوت و پایداری حس کنند و بدانید که خداوند همواره یار و مددکار پرهیزگاران است (توبه: ۱۲۳)

حماسه در شعر دفاع مقدس آمیزه ای از شهادت، ایثار، مبارزه با ظلم و جلوه‌های نورانی و آرمان خواه انسانی است و کربلا تبلور تمام این جلوه هاست و شاعران از مضامین عاشورایی و ترکیبات عظیم آن استفاده میکنند تا شکوه حماسه رزمندگان اسلام را با شکوه حماسه آفرین شهیدان کربلا پیوند بزنند (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

بنابراین، مفهوم "شهادت" به دلیل ارزش والای الهی- انسانی اش به عنوان یک پدیده مفهومی مقدس در فرهنگ اسلامی نهادینه شده است. در فرهنگ الهی، مقام شهادت بالاترین مقام است. پیامبر (ص) می فرماید: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يَقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» همانا فوق هر نیکی، نیکوتری است، جز مقام شهادت در راه خدا که از همه نیکی ها برتر است (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۴: ۶۱)

مفهوم شهید در فرهنگ اسلام اهمیت ویژه ای دارد. بر اساس قرآن شریف، شهید کسی است که در راه خدا کشته می شود و کشته در راه خدا همواره زنده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ...» (بقره: ۱۵۴)

فرهنگ شهادت در شعر دفاع مقدس؛ به دلیل عظمت شأن شهید، ابهام گونه نمود یافته است: از طرفی یکی از عمده ترین مفاهیم فرهنگ دینی، ایثارگری است که در عرصه های مختلف زندگی شخصی و اجتماعی نمود دارد. شمیسا در همین زمینه گفته است: «نخستین کوشش های ذهنی بشر در رویارویی با مسائلی چون مرگ و زندگی، عشق و نفرت و گذشت و فداکاری در حماسه مطرح می شود (شمیسا، ۱۳۷۶: ۴۸).

خون شهید نیز مفهوم ارزشمندی است. همانطور که صدر بیان داشته است: «خون شهید باید همیشه جوشش، فروزش و درخشندگی داشته باشد تا دلها را روشن کند و گمراهان را راهنما باشد و شهادت محاکمه عدل و ظلم است که نیاز به گواه دارد تا جهانی گردد و جاویدان شود. گواه شهادت، اجتماع است نه فرد. دیدگان اجتماع باید شهادت را ببینند. گوش های اجتماع باید بانگ کاروان شهادت را بشنوند و جان اجتماع باید مفهوم شهادت را کاملاً لمس کند. تا بتوانند از نور شهادت استضاء نمایند (صدر، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

بنابراین همراه با تثبیت فرهنگ شهادت، خون شهید نیز ارزش فرهنگی پیدا می کند تا در تعبیر شاعرانه نمود یابد. در خصوص الگوی چنین فرهنگی باید ذکر شود: یکی از آثار ارزشمند فرهنگ عاشورا، الگوسازی آن است. پیوند درونی و روحی رزمندگان با ابا عبدالله و فرهنگ عاشورا، جان مایه جبهه ها، برانگیزاننده، حرکت بخش و عامل بسیاری از پیروزیهای جبهه نشینان محسوب میشد. (سنگری، ۱۳۸۱، ۱۶۰)

مفهوم پیشوا و الگو در شعر دفاع مقدس با نشانه های مفهومی کربلا و حسین (ع) همراه است. رزمندگان در طول سال های دفاع مقدس با الهام از حماسه عاشورا حماسه آفریدند. وصیت نامه های شهیدان دفاع مقدس با نام و یاد کربلا و عاشورا آذین بسته می شد. (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۷۹ - ۱۸۰).

انعکاس این فرهنگ در شعر دفاع مقدس، یا به صورت مفهوم عام کربلا ارائه شده است. یا به صورت یک مفهوم ابهامی در زمینه شعری تعبیه شده است؛ یا مفهوم الگوهای شخصیتی ای؛ همچون علی اکبر (ع) و علی اصغر (ع). بزرگترین چهره پیشوا؛ یعنی امام حسین (ع) به انحاء گوناگونی در شعر دفاع مقدس تأثیر گذار بوده است. بنابراین همانطور که فرهنگ اقتدار طلبی در خود دفاع مقدس نفوذ می یابد، در شعر دفاع مقدس نیز این مفهوم به صورت لیبک به پیشوا مطرح شده همچنین در مواردی نیز به مفاهیم اعتقادی پیشوا روی آوری شده است. الگوی شخصیتی دیگر ایشار؛ حضرت عباس (ع) است. همانطور که مشهود است، شهادت به مفاهیم باورمند ریشه ای در فرهنگ اسلام مرتبط است و ادبیات پایداری در ایران، تحت تأثیر همین باورهای مذهبی و ایدئولوژیکی شکل گرفته است. (موسوی، ۱۳۶۰: ۷).

همین بررسی نگاه دقیق تری نیز به مسئله حادثه کربلا و شهادت در حضور امام حسین (ع) را می طلبد. شاعران دفاع مقدس بیش از هر موضوع دیگری به تصویر کردن حادثه خونین عاشورا و ابعاد گوناگون این ماجرای شگفت انگیز تاریخ اسلام پرداخته اند و در قالب های مختلف، اعم از کلاسیک و نو، در احیای فرهنگ عاشورا کوشیده اند. در شعر عصر انقلاب، همه مراحل شکل گیری حماسه حسینی، از حرکت امام حسین (ع) به سوی کربلا تا بازگشت ذوالجناح بی سوار به خیمه ها و اسارت پرد گیان حرم حسینی، به تصویر کشیده شده است.

عاشورا، این نیم روزی که به درازای ابدیت است، در شعر عصر انقلاب اسلامی سبب ایجاد بدایع و زیبایی های درخشانی می شود. شاعر انقلاب اسلامی معتقد است که ندای «هل من ناصر» امام حسین (ع) هنوز هم به اعتبار خویش باقی است و حسین همچنان در طلب یاران فداکار و از جان گذشته است. این مضمون، خصوصاً در دوره دفاع مقدس، از رواج خاصی برخوردار بوده است. آرزوی همراهی با حسین (ع) و

یارانش و نایل آمدن به فیض عظمای شهادت، شاعر دوران ما را بر آن می‌دارد که این خواسته دیرین را در شعر خود منعکس سازد.

پیوند حماسه دفاع هشت ساله ملت مسلمان ایران با عاشورای حسینی نیز در شعر انقلاب اسلامی جلوه‌های خاصی پیدا کرده است. شاعر گاه انگیزه مقدس رزمندگان اسلام را رسیدن به پای بوس امام شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، می‌داند و صحنه وداع رزمنده ای را با مادرش به زیبایی ترسیم می‌کند و گاه بر وحدت و همانندی راه امام حسین (ع) و رزمندگان اسلام این گونه تأکید می‌ورزد. شوق دیدار حرم امام حسین نیز گاهی موجد شعرهای زیبایی شده است. شاعر گاهی چنان با امام حسین و یاران و اهل بیت او احساس یک رنگی می‌کند که گویی خود در میان آنان بوده و آن همه مصیبت‌ها را با گوشت و پوست خود لمس کرده است و این مایه درونی شدن حادثه کربلا در میان شاعران شیعی تبار این روزگار خود باعث شگفتی است.

### محتشم کاشانی

کمال‌الدین علی محتشم کاشانی دارای لقب شمس الشعرا کاشانی شاعر ایرانی در آغاز سده ده هجری و هم دوره با پادشاهی شاه طهماسب صفوی در کاشان زاده شد، شعرهای او درباره رنج و درد امامان شیعه است و بیشتر جنبه ایدئولوژیک برای پادشاهی صفویان را داشت. مطلع «باز این چه شورش است...» که از محتشم کاشانی نراقی است در میان هواداران شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. وی با سرودن دوازده بند در مرثیه شهدای کربلا که بند اول ترکیب بند وی با بیت «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟» آغاز می‌شود، مقام والایی در مرثیه سرایی کسب کرد. وی در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت؛ محتشم پس از مدتی در زمره شعرا معروف عصر خود جای گرفت ولی نظر به معتقدات دینی خود و احساسات شیعی دربار شاهان صفوی که در صدد تقویت این مذهب (در مقابل مذاهب اهل سنت) بودند به سرایش اشعار مذهبی و مصائب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی بدیل بود پرداخت. محتشم پس از چندی به یکی از بزرگ‌ترین شعرا ایران در سبک اشعار مذهبی و مصائب ائمه اطهار شیعه بدل گشت و اشعارش در سرتاسر ایران معروفیت خاصی یافت، بطوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. اولین اشعار مذهبی محتشم در سوگ غم مرگ برادرش بود که ابیات زیبایی در غم هجر او سرود و پس از آن به سرایش مرثیه‌هایی در واقعه جانسوز کربلا، عاشورای حسینی و مصیبت نامه‌های مختلف پرداخت.

## عمان سامانی

میرزا نورالله عمان سامانی ملقب به تاج الشعراء و متخلص به عمان از شعرای پرآوازهٔ ایمنی در نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۳ و اوایل سدهٔ ۱۴ هجری است. عمان سامانی از اعضای اصلی انجمن ابوالفقراء اصفهان بوده و تا سال ۱۲۸۶ه. ق - که تاریخ فوت ملا محمدباقر اصفهانی معروف به ابوالفقراء است - در جلسات هفتگی این انجمن شرکت می‌کرده و در این ایام، شاعری ۲۶ ساله بوده است. وی در قصیدهٔ انجمنیهٔ خود از ۱۴ نفر از شعرای بنام اصفهان که عضو انجمن ابوالفقراء بوده اند یاد کرده است؛ ابوالفقراء، مسکین، پرتو، افسر، بق، عنق، سرگشته، آشفته، فرح، ساغر، پروین، دهقان، شعری و جوز. پس از درگذشت ابوالفقراء جلسات هفتگی انجمن ادبی در منزل ملک الشعراء (عنقا) تشکیل می‌شده و عمان سامانی نیز در آن شرکت می‌کرده است. استاد فقیه مرحوم همایی (سنا) در مقدمه دیوان طرب به نقل از مرحوم سه و بعضی از بزرگان شعرای اصفهان، مرقوم داشته‌اند که عمان سامانی قصیدهٔ معروف لامیهٔ خود را در مدح امیرمؤمنان علی در ایامی که جلسات انجمن در منزل عنقا برگزار می‌شده، سروده است:

به پرده بود جمال جمیل عزوجل به خویش خواست کند جلوه ای به صبح ازل

چو خواست آن که جمال جمیل بنماید علی شد اینه، خیر الکلام قل و دل!

آثاری که از عمان سامانی به یادگار مانده، عبارتند از: گنجینه اسرار، معراج نامه، محزن الدرر و دیوان اشعار. گنجینهٔ عمان سامانی به خاطر شیوهٔ بیانی بی‌دلانه‌ای که دارد مقوله‌های دور از دسترس عرفانی را به عینیت جامعه منتقل می‌کند و مفاهیم مجرد ذهنی را با ابزارهای بیانی عاشقانه به صورت کاملاً ملموس و محسوس به تصویر می‌کشد و با استفاده از جاذبه‌های سبک و قویع به واقعهٔ عاشورا صبغه ای بی‌دلانه می‌بخشد.

گنجینهٔ عمان را باید به عنوان یک اثر فاخر و استثنایی در پیشینهٔ شعر عاشورا تلقی کرد که مرور زمان نه تنها از جاذبه‌های کلامی و روحانی آن نکاسته است. گنجینهٔ عمان مبتنی بر قرائت عرفانی از فرهنگ خون‌نگار عاشورا است؛ قرائتی که به مقوله‌های تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی اعتنایی ندارد و تنها از منظر معرفتی به واقعهٔ کربلا نگاه می‌کند و در تبیین راز و رمزهای آن از شیوهٔ بی‌دلانه سود می‌جوید.

## سید حسن حسینی

وی در ۱۳۳۵ش در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر تهران گذراند و در ۱۳۵۳ش دیپلم طبیعی گرفت. از همین سال‌ها اشعارش در برخی نشریات ادبی آن زمان، نظیر مجله فردوسی، منتشر می‌شد. اشعار سپید عاشورایی او از مشهورترین آثار معاصر در این حوزه هستند. در ۱۳۵۸ش، در مقطع کارشناسی رشته تغذیه از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ‌التحصیل شد و در همان سال وارد حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی شد و به همراه قیصر امین پور، محسن مخملباف و چند تن دیگر، فعالیت‌های هنری و ادبی حوزه را راه‌اندازی و ساماندهی کرد. مجموعهٔ «هم‌صدا با حلق اسماعیل» -

اولین اثر شعری سیدحسن حسینی - که در سالهای آغازین دهه اول انقلاب منتشر شد، مشتمل است بر سه فصل: سروده‌های سحرزاد، شب‌سروده‌ها و رباعیها. عناوینی که شاعر برای دو فصل اول برگزیده، خود مبین آن است که سروده‌های سحرزاد متعلق به دوران پس از انقلاب و شب‌سروده‌ها مربوط به پیش از انقلاب است.

بهره گرفتن از دو نماد «شب» و «سحر» و شبیه آن و به‌طور کلی این‌گونه تقسیم و فصل‌بندی شیوه‌ای است که برخی شاعران این دوره برای تفکیک سروده‌های خود، به کار گرفته‌اند.

در اغلب مجموعه شعرهایی که در سالهای اول انقلاب منتشر شد، موضوعات مشترکی را چون: تهنیت انقلاب و ارزشهای آن، دعوت به مبارزه و مقاومت، توصیف رشادتها و حماسه‌آفرینیهای پاسداران و رزمندگان، شهادت‌طلبی و رشک بر شهیدان و همچنین پاسداشت شخصیت‌های انقلاب و سرآمدان عرصه جهاد و... می‌توان دید. آنچه می‌تواند - با وجود چنین اشتراکی - شعر شاعری را از دیگران ممتاز سازد، هنر شاعری و نحوه پرداخت موضوعات است و به همین سبب، شعر برخی شاعران این دوره را ناپایا و زوال‌پذیر و شعر برخی را - با وجود درونمایه‌هایی مشترک - پایا و دلپذیر و ماندنی می‌یابیم.

اگر به تحلیل و بررسی محتوا و درونمایه سروده‌ها - در دو مجموعه «هم‌صدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» - بپردازیم. به چنین نتایجی دست می‌یابیم:

- در بخش «شب‌سروده‌ها» - از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل - بیان شعری شاعر اغلب تمثیلی و نمادین است که برای پرداختن به مضامین حوزه مقاومت و پایداری، شیوه مناسب‌تری به نظر می‌رسد.

- در سروده‌های سحرزاد، نوع نگاه شاعر، کاملاً آرمانی، امیدوار و نویدبخش است و توصیفات او اغلب همراه با تقدیس و تعظیم است و شکوه و شکایت در شعر او راه ندارد، مگر شکایت از خویشتن، درواقع در فضای آرمانی و روشنی که حاصل پیروزی انقلاب بود، جهت نگاه شاعر رو به اوج است، اما سالهای بعد که سختی صخره‌های اغراض و خار طعنه‌ها و زخم دورنگیها، پای دل شاعر را آزرده می‌سازد، ناگزیر گاهی نگاه از قله برمی‌گیرد و به زیر پای خویش می‌افکند، از این روست که بعدها، گاهی شرننگ ملامت‌گری را چاشنی کلام شیرین خود می‌سازد.

- مسئله آمیختگی حماسه و تغزل - که از شاخصه‌های شعر دفاع مقدس است - در شعر حسینی نیز به خوبی نمود یافته است، به‌ویژه در شعرهای سنتی او، غالباً توصیفات حماسی و واژه‌هایی چون شمشیر، خنجر و دشنه و خون... را با بیانی تغزلی و غنایی آمیخته می‌یابیم:

بیا عاشقی را رعایت کنیم

ز یاران عاشق حکایت کنیم...

بین خانقاه شهیدان عشق

صف عارفان غزل‌خوان عشق

چه جانانه چرخ جنون می‌زند

دَفِ عَشْقِ بَا دَسْتِ خُونِ مِی زَنَد  
بِه رَقْصِی کِه بِی پَا سَرِ مِی کَنَد  
چَنین نَعْمَةُ عَشْقِ سَرِ مِی کَنَد  
هَلَا مَنکَرِ جَانِ وَ جَانَانِ مَا  
بَزَن زَخْمِ اَنکَا رِ بَرِ جَانِ مَا  
اَگَرِ دَشَنه آذِینِ کُنِی گُردِه مَان  
نِینِی تُو هَر گَزِ دَلِ آزَرْدِه مَان... .

— در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» مایه اصلی اغلب شعرها برگرفته از فرهنگ عاشورا است و شاعر گاهی صریح و مستقیم و گاهی نیز با بیانی نمادین، از واقعه کربلا، شجاعتها و دلیریها و نیز از تأثیر آن بر حماسه‌سازیهایی رزمندگان و حماسه‌آفرینان دفاع مقدس سخن می‌گوید.

در خصوص شعر عاشورایی باید گفت: شعر عاشورایی فارسی قدمتی دیرینه دارد. سؤال اینجاست که چرا از میان آثاری که به طور یکپارچه به این موضوع اختصاص داده شده، هیچ اثری به مقبولیت گنجینه الاسرار عمان سامانی نرسد هنگامی که سخن از مرثیه‌سرایی و ادب عاشورایی میشود، آگاهان این عرصه، نخست به یاد ترکیب بند زیبا و پرشور محتشم کاشانی شاعر دربار شاه تهماسب صفوی می‌افتند. اما از این تنها شعر خداوندگار شعرعاشورایی که بگذریم و بخواهیم از اثری صحبت کنیم که تمام و کمال به این ادب اختصاص داده شده، ناچار به یاد منظومه گنجینه الاسرار عمان سامانی می‌افتیم.

«رثا یا مرثیه بر اشعاری اطلاق میگردد که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تاسف و تألم بر مرگ پادشاهان و صدور و اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمه اطهار مخصوصاً حضرت سید الشهداء و شهدای کربلا و شمردن مناقب و فضائل و مکارم و تجلیل مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم زدگان بصر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است». (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۷۴).

اشعار وزین و زیبای محتشم کاشانی و مهارت او در سرایش اشعار در اوزان مختلف سبب شده، که در جایگاه شاعران بزرگ همانند: سنایی، شیخ عطار، مولانا، سعدی، حافظ، قرار گیرد، آنچه باعث شهرت عالم گیر، او در جهان تشیع گشته شعر، مشهوری است در خصوص قیام عاشورا و روز واقعه که از آن زمان در مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در منابر، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، چند صدسال است که این شعر خوانده می‌شود، و در کتیبه‌های این مراسم بکاررفته، و اشعار محتشم کاشانی در و دیوار همه شهرها به یاد حضرت امام حسین سالار شهیدان دشت کربلا (ع) زمزمه در ایام محرم و صفر می‌شود، و رونق بخش مجالس ترحیم حضرت سید الشهداء است، و این افتخار بزرگی برای اوست، که شعرش، تا قیام قیامت خوانده می‌شود، و دستجات عزاداری، سینه زنی و زنجیر زنی در شام غریبان این شعر را در کوچه و خیابان‌ها باهم زمزمه می‌کنند، قطعاً این لطف حضرت سید الشهداء اباعبدالله الحسین (ع) بوده، که شاعر

خودشان را چنین جایگاهی مقام و منزلت دادند، و افتخار محتشم کاشانی این است که شعر عاشورایی در مرثیه و سوگ خورشید اهل بیت نبی مکرم عالم اسلام (ص) سروده است.

شاه شهید خود به عزای خود آمده

وز نقل وی گریسته بر خویش زار زار

غلمان دریده جامه و حورا گشاده مو

اهل بهشت نوحه‌گری کرده اختیار

با آن که در بهشت نمی‌باشد آتشی

رضوان ز غم نشسته بر آتش هزار بار

فریاد محتشم که جهان کم نوا بماند

از نوحه حسین علی‌خاصه این دیار

روزی که ما رسیم باو وز عطای حق

از زندگان خلد نیابیم در شمار

آن روز در قضای عزای شهید

چندان کنیم نوحه که افتد زبان ز کار

یارب به حق شاه حسین آن شه قتیل

کور است جبرئیل امین زار بر مزار

کاین شور بخش مجلس عاشورا را به حشر

ساز از شفاعت نبی و آل کامکار

وز ما به روح او برسان آن قدر درود

کز وی رسانده ای به شهیدان نامدار

محتشم کاشانی این شاعر شیعه عصر صفوی در تصویر سازی روز واقعه عاشورا آن چنان با قوت و قدرت و سوز دل، وصف آن روز واقعه، سخن می‌گوید که گویی خود از یاران حضرت سید الشهداء (ع) در سال ۶۱ هجری در دشت کربلا بوده، که قطعاً او با این نوحه و مرثیه خوانی در سوگ ذریه زهرای مرضیه (س) در فردای محشر امان نامه خود را یقیناً دریافت خواهد کرد، و خوشا به سعادت این شاعر که جایگاه بس رفیع در دنیا و آخرت کسب نموده.



این زمین پر بلا را نام دشت کربلاست

ای دل بی درد آه آسمان سوزت کجاست

این بیابان قتلگاه سید لب تشنه است

ای زبان وقت فغان وی دیده هنگام بکاست

این فضا دارد هنوز از آه مظلومان اثر

گر ز دود آه ما عالم سیه گردد رواست

این مکان بوده است روزی خیمه گاه اهل بیت

کز حباب اشک ما امروز گردش خیمه هاست

محتشم کاشانی الحق جایگاه و مقام و منزلت خاندان مبارک اهل بیت را بخوبی شناخته و در شعرش به تصریح والتجاء و عملا دست بسوی شفاعت و توسل آستانه مقدس سید و سالار شهیدان دشت کربلا شده و امان می خواهد و در نهایت خضوع و فروتنی غبار مادیات دنیا، از تکبر نخوت، حب نفس و جاه طلبی شسته و شعرش الگو و الهام بخش بسیاری از شاعران پارسی زبان در طی قرن‌ها شده، و شعرش چلچراغی مجلس سوگواری آقا سید الشهداء (ع) شده.

یا شفیع المجرمین جرمم برونست از عدد

وز تو مقصودم شفاعت پیش جدت مصطفاست

یا امان الخائفین اینجا پناه آورده‌ام

وز تو مطلوبم حمایت خاصه در روز جزاست

یا ابا عبدالله اینک تشنه ابر کرم

از پی یک قطره پویان بر لب بحر سخاست

یا ولی الله گدای آستانت محتشم

بر در عجز و نیاز استاده بی برگ و نواست

مدتی شد کز وطن بهر تو دل بر کنده است

وز ره دور و درازش رو در این دولتسرا است

دارد از درماندگی دست دعا بر آسمان

وز قبول توست حاصل آن چه او را مدعاست

از هوای نفس عصیان دوست هر چند ای امیر

جالس بزم گناه و راکب رخس خطاست

چون غبار آلود دشت کربلا گردیده است

گرد عصیان گر ز دامانش بیفشانی رواست

محتشم کاشانی، شعر را وقف اهداف مقدس اسلام نموده و طبق آیه شریفه کلام الله مجید در خصوص صفت مومنان که در سوره مومنون سعی نموده از بیهوده گویی، لغو، لهو و باطل دوری نماید، و مقصود و مقصد منزل سعادت، سلامت و رستگاری را طلب می کند، در شعر زیر او متوسل به شهسوار سپاه اسلام و قرآن، حضرت امیر المومنین مولا علی بن ابیطالب (ع) شده و از مقام شامخ امام و مراد خود امان می خواهد:

السلام ای عالم اسرار رب العالمین

وارث علم پیمبر فارس میدان دین

السلام ای بارگاہت خلق را دارالسلام

آستان رویت بطرف آستین روح الامین

السلام ای پیکر زایر نوازت زیر خاک

از بی جنت خریدن خلق را گنج زمین

السلام ای آهن دیوار تیغت آمده

قبله اسلام را از چارحد حصن حصین

السلام ای نایب پیغمبر آخر زمان

مقتدای اولین و پیشوای آخرین

شاه خیبیر گیر اژدر در امام بحر و بر

ناصر حق غالب مطلق امیرالمؤمنین

ملک دین را پادشاه از نصب سلطان رسل

مصطفی را جانشین از نص قرآن مبین

در اولین روایات و توصیفات که در شعر فارسی از عاشورا می شود، غلبه با بیان مصیبت و ظلمی است که بنی امیه بر امام حسین (ع) و یارانش روا داشته اند، جنایات کوردلان بنی امیه آنقدر فجیع و سبانه و ناجوانمردانه بوده که ناخودآگاه شعر عاشورایی از همان ابتدا به سمت توصیف و بیان مظلومیت شهیدان

کربلا سوق پیدا می کند و این رویه تا قرن ها، سنت شعر عاشورایی می شود به گونه ای که یکی از دوره های طولانی رویکرد شعر عاشورایی را، رویکرد بیان ماتم و مصیبت فراهم آورده است، این رویکرد از آغاز جریان شعر عاشورایی تا ترکیب بند محتشم کاشانی که در واقع قله این رویکرد را شکل می دهد ادامه می یابد:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا

در خاک و خون تپیده میدان کربلا (دیوان محتشم کاشانی)

آنچه زین العابدین مؤتمن در تعریف رثا آورده است، به طور کامل در گنجینه الاسرار عمان سامانی وجود دارد. نخست آنکه این منظومه چیزی جز ذکر مصائب یکی از پیشوایان دین؛ یعنی نمونه خاص آن، حضرت سید الشهداء و شهدای کربلا نیست:

ای که از جان طالب این باده ای بهر آشامیدنش آماده ای،

گرچه این می را دو صد مستی بود نیست را سرمایه هستی بود

از خمار آن حذر کن کین خمار از سر مستان برون آرد دمار

درد و رنج و غصه را آماده شو بعد از آن آماده این باده شو

این نه جام عشرت این جام ولاست درد او درد است و صاف او بلاست (عمان سامانی: ۱۳۷۹: ۱۴ - ۱۳)

دوم اینکه در جای جای این منظومه، از بازگویی مناقب و فضائل و مکارم و تجلیل مقام و منزلت امام و یارانش دریغ نکرده است. توصیفات و القابی که او برای آنان بر می گزیند بیانگر همین مضمون است:

عمان در وصف امام حسین میگوید:

چون به موقع ساقیش درخواست کرد پیر می خواران ز جا قد راست کرد

زینت افزای بساط نشأتین سرور سر خیل مخموران حسین (همان، ۱۳۷۹: ۱۷).

وی در وصف حضرت عباس میگوید:

لاجرم آن قدوه اهل نیاز آن به میدان حقیقت یکه تاز

موسی توحید را هارون عهد از مریدان جمله کاملتر به جهد (همان، ۱۳۷۹: ۴۶).

در وصف حضرت قاسم میگوید:

خواند شاه دین برادرزاده را شمع ایمان قاسم آزاده را (همان، ۱۳۷۹: ۴۸).

در وصف حضرت علی اکبر می گوید:

کرده ای از حق تجلی ای پسر زین تجلی فتنه ها داری بسر

راست بهر فتنه قامت کرده ای وه کزین قامت قیامت کرده ای

نرگست با لاله در طنازی است سنبلت با ارغوان در بازی است (همان، ۱۳۷۹: ۵۴).

در مورد بزرگ نشان دادن این واقعه همین نکته بس که عمان، اساس خلقت را بر پایه این واقعه نهاده است و بیان می کند که خداوند، بهشت و جهنم را به عنوان سرآغاز و سرانجامی برای همین داستان خلق کرده

است. این دیدگاه شاعر، ناخودآگاه این کلام گهربارِ امام صادق (ع) را در ذهن خواننده متبادر می‌کند که «هر ماهی محرم، هر روزی عاشورا و هر زمینی کربلاست. وی درخصوص دعوت ماتم زدگان به صبر و سکون، همین ابیات از زبان امام حسین (ع) خطاب به حضرت زینب (س) کفایت می‌کند:

خانه سوزان را تو صاحب خانه باش      با زنان در هم‌ری مردانه باش  
جان خواهر در غم زاری مکن      با صدا بهرم عزاداری مکن  
معجز از سر پرده از رخ و آفتاب و ماه را رسوا مکن  
هست بر من ناگوار و ناپسند      از تو زینب گر صدا گردد بلند  
هر چه باشد تو علی را دختری      ماده شیرا کی کم از شیر نری؟ (همان، ۱۳۷۹: ۶۸).

همین موضوع، منظومه او را جلوه ای دیگر بخشیده است.

عمان سامانی در مثنوی متفاوت گنجینه الاسرار توانست نگاه دیگری به عاشورا و حماسه حسینی و شهادت و ایثار داشته باشد و چشم‌اندازی عرفانی از آن به تصویر کشد، این نگاه را عمان سامانی مطرح و کمال این رویکرد به حماسه حسینی نیز در شعر خود عمان سامانی به ثبت رسید:

گه دلم پیش تو گاهی پیش او است      رو که در یک دل نمی‌گنجد دو دوست  
حایل ره، مانع مقصد مشو      بر سر راه محبت سد مشو

هر چه غیر از او است، سد راه من آن بت است و غیرت من بت‌شکن (سامانی ۱۳۷۹: ۶۹)

همچنین از طرفی در یک دسته‌بندی اجمالی، می‌توان محتوای اشعار دفاع مقدس را، در دو بخش معرفی کرد: اشعار حماسی، اشعار حماسی عرفانی.

### الف: اشعار حماسی

موضوع حماسه در شعر فارسی از پشتوانه غنی و پیشینه دور و دراز برخوردار است. در دوره پس از انقلاب، محتوای این سروده‌ها را سه موضوع متنوع و گسترده دربر می‌گیرد:

معرفی و ستایش رشادت‌ها و دلاوری‌های رزمندگان اسلام: در این سروده‌ها که عمدتاً در قالب غزل و رباعی است، محور شعر بررسی حضور رزمندگان در ساحت جنگ و شرح منظوم این پدیده در قالب توصیف ایثار آنان است. همچنین در این سروده‌ها، شاعر علاوه بر ستایش این شهامت و شکوه، گاه به طور مُضمّر در صدد تشویق جهت پاس‌داشت حال نیک آنان است. در راستای همین موضوع و توصیفات ذکر شده، ستودن رزمندگان به باورهای اسلامی از دیگر شاخصه‌های شعر دفاع مقدس، در حوزه توصیف حماسه‌آفرینان است؛ توصیفی که هرچند شاعرانه و عاطفی است، اما قرین معرفت و شناختی عمیق و قابل درک نیز هست. این پیوند عاطفه و عرفان تصنعی نیست؛ بلکه تعادل موجود در این دو عنصر (عاطفه و عرفان) چنان است که زمینه‌های عاطفی، آن را از حوزه عرفان و درک و معرفت جاری، دور نکرده‌است و چنین است که شعر از صمیمیت و صراحت ویژه‌ای بهره دارد:

سید حسینی چنان استادانه و با تفکر از آیات قرآن بهره جسته که گویی قرآن را پیش چشم خود داشته و با الهام گرفتن از آیات شریف آن، به استواری و غنای اشعار خود افزوده است. وی مقام والای انسان را به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین به طور اعم و عرفا و شهدا به طور اخص متذکر شده و آنان را امانت دار واقعی و بر حق امانت الهی دانسته است و معرفی نموده است. شهداء این امانت با ارزش را به صاحب اصلی آن بازگرداندند. این مضمون در اشعار وی یادآور آیه شریفه ۳۳ از سوره ۷۲ قرآن کریم می‌باشد:

بار امانتی که فلک برتافتش بر دوش جان نهاده، بر این راه برده اند

دعوت به مبارزه و قیام: از دیگر موضوعات سروده‌های پایداری در قالب حماسه، دعوت به مبارزه و جهاد علیه ظلم است. می‌توان گفت این موضوع از موضوعاتی است که شاعران معاصر با استقبال ویژه‌ای آن را دنبال کردند. همچنین در بین موضوعات طرح شده و قابل بررسی، بیشترین اقبال از جانب عامه مردم نسبت به همین موضوع صورت گرفته است.

حسینی مردانی را که با دشمن جنگیدند و از جان و مال خود در راه حفظ ایمان و عقیده دینی شان گذشتند، می‌ستاید و شهادت را براننده آنها و آنها را آراینده شهادت می‌داند. او معتقد است که مرگ آنها مفهوم واقعی لقاء الله را در ذهن هر انسان آگاهی متداعی می‌کند. آری، آنها خود را مهیای پیوستن و تقرب به معبود لایزال ساختند. آنها لحظه باشکوه دیدار با معبود ازلی وابدی را در این دنیا تجربه و اثبات کردند. شهیدان بزرگمردان جبهه های ایثار و نبردانسان هایی بودند که روحشان زمینی نبود، آنها آسمان سیرت بودند و با حضور خود در میدانهای جنگ مقدمات عروجشان را به مبدأ اصلی خود فراهم کردند. لقاء خداوند شیرین ترین لذتی بود که رزمندگان با شهادت خود به بهره مندی از آن نائل آمدند.

این بی شمار لاله رخان در هوای یار تاروز وصل، ثانیه ها را شمرده اند

جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق سوی لقاء الله جاری با شتابند

حسینی به روحیه امیدواری مردم برای دستیابی به پیروزی اشاره کرده و اعلام می‌کند که هرچند مردم ایران در طول دفاع مقدس و جنگ تحمیلی سختیهای بسیاری را متحمل شدند و غیورمردان بزرگی را ازدست دادند ولی برق امید در چشمانشان می‌درخشید؛ حق یار و باور آنها و آنها طالب و جویای حق و راستی بودند. مسأله پیروزی حق بر باطل در طول تاریخ مبارزاتی مسلمانان امری مسلم و بدیهی بوده، هر چند که با تأخیر و دشواری همراه است؛ هر چند که باطل صولتی و دولتی دارد، رعد و برقی می‌زند، کروفری نشان می‌دهد ولی عمرش کُوتاه است و سرانجام به دره نیستی سقوط می‌کند. ظلم و فساد رژیم پهلوی نیز برای ایرانیان پایانی جز نابودی و زوال نداشت.

خفاش اگر برید خون ستاره، غم نیست باشد شبان تیره آبتن سحرها

هیچ کس باور نداشت / کرانه‌ای / به ترانه ای / غروب گرداب را در خواهد نوردید / و آستین منطقی ساحل /

به لیخندی فاتح / برهان قاطع کوسه ها را / باطل خواهد کرد

ایستادگی در برابر بیداد: موضوع محوری و اصیل دیگر سروده‌های پایداری که باز هم با فضایی حماسی و با مؤلفه‌های خاص اشعار حماسی همراه است، ایستادگی در برابر بیداد است؛ ایستادگی در برابر بیداد حاکم که آرمان تمام حرکت‌های بنیادین و هدفمند است. بی‌عدالتی و قیام علیه آن، دو قطب ناهمگون در آن روزگار بود و حضور همین دو عامل، جریان‌سازترین حرکت‌ها را نشانه گرفت و سبب شد خون عزیز و پاک بسیاری از غیرت‌مندان حق، شتک زند. این واقعه گرچه بازماندگان را داغ بر جبین نهاد، اما برای شهیدان برگزیده، رستخیز عزیز و عاقبتی سرشار از رحمت را رقم زد.

سبزیم که از نسل بهاران هستیم پاکیم که از تبار یاران هستیم

دور است ز ما تن به مذلت دادن ما وارث خون سربداران هستیم (حسینی، ۱۳۶۸: ۱۴۶)

از مهمترین عواملی که حسینی از آن به عنوان انگیزه و محرک اصلی و استوار شهیدان در رابطه با مقاومت و ایستادگی در برابر رژیم دیکتاتور و مستبد حاکم بر ایران یاد می‌کند این است که چرا آدمی باید در برابر غیرخدا سر تعظیم فرود بیاورد؟ حال آنکه عبودیت انسان فقط و فقط خاص خداست؛ همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردارند و کسی را بر دیگری اعم از فقیر و غنی از لحاظ بندگی به درگاه حق برتری نیست. حسینی با استناد به آیات ۲/۲۱۴ و «۱۳/۱۳ و ۱۱۰/۱» پیروزی رزمندگان را امری حتمی و مسلم دانسته است. خداوند در قرآن کریم برای مبارزان راه خود مژده و بشارت پیروزی داده است. مردم غیور و ایثارگر ایران در پرتو لطف الهی و رهبری شایسته و بایسته امام خمینی و مبارزه جان فشانانه رزمندگان به مفهوم واقعی نصر من الله و فتح قریب دست یافتند.

بانگ تکبیرشان، مژده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

گر جهد کنی و عازم راه شوی از اوج و نشیب راه آگاه شوی

بر قلّه «فتح» می نشینی تو، اگر فریادگر «نصر من الله» شوی

### ب: اشعار حماسی عرفانی پایداری

دیگر موضوع مطرح در سروده‌های معاصر، اشعاری است با تلفیق حماسه و عرفان که خود در بردارنده شاخه‌های متنوع دیگری است. شاعران با تلفیق حماسه و عرفان که اشتراکاتی معنوی نیز در این دو مقوله حضور دارد، به آفرینش آثار پُرباری در قالب شعر پرداختند.

در این سروده‌ها که در دوره معاصرو عمدتاً در قالب غزل رشد کرد، ترکیبات و اصطلاحات خاص عرفانی با حماسه - که ویژگی شعرهای دفاع مقدساست، پیوندی طبیعی یافته‌است؛

یادکرد جایگاه شکوهمند شهید در سوگ سروده‌ها: در بخش دیگری از سوگ سروده‌های مورد بحث، شاعر از عدم توفیق خویش در هم‌رکابی با شهیدان شکوه می‌کند و اشاراتی به جایگاه والای آنان دارد. این سوگ سروده‌ها به جهت حضور ویژگی‌های خاص زبانی و کاربرد قالب غزل در سرودن، آن را به غزل سنتی نزدیک می‌کند. در اغلب سوگ سروده‌های دفاع مقدس یاد شده، شهادت حماسه‌ای شکوهمند

است و فراخوان پروردگار و لبیک شهید، عزیزترین حال حرکت از سرای فانی به حیات باقی است: ویژگی بارز سوگ سروده‌های دفاع مقدس برخوردار از جایگاه محوری شهید است؛ تا آنجا که گاه شهید در مقام همان معشوق و محبوبی است که در غزل مورد ستایش واقع می‌شود: در این نگرش، شاعر در صدد ارائه حال و هوای شهید است و به گونه‌ای ابعاد عرفانی و جلوه‌های معرفتی را بیان می‌کند، اما در عین حال حضور پُررنگ خویش را نیز حفظ می‌کند؛

حسینی با تکیه بر اصل معنوی جاودانگی و سعادت ابدی شهیدان، سوگ گرفتن را برای شهیدان بی معنا قلمداد می‌کند؛ شاید این عقیده شاعر را بتوان اینگونه تعبیر و تفسیر کرد: سوگ و ماتم گرفتن برای شهیدان نوعی بی توجهی به آرمانهای والا و تحقیر عظمت هدفهای آنان است. با این توضیح مشاهده می‌شود که سوگ در اشعار حسینی جایی برای ظهور و بروز ندارد؛ چرا که سوگ در مرگ کسی است که در طول حیاتش دغدغه و مشغله‌ای جز دنیا و مال و منال آن نداشته و در پایان عمرش هم بدون هیچ آمادگی معنوی از این دنیا کوچیده باشد و توشه آخرت او کم و بی ارزش باشد. بنابراین اگر هم مردم داغدار، مراسم سوگ و ماتمی برپا می‌کنند به حال خود گریه و زاری می‌کنند که از فیض وجود این گهرهای ناب بی نصیب گشته‌اند.

هر چند شکسته ساز خوش آهنگش / در خویش فشرده مرگ، تنگاتنگش

بر مزرع سرخ شیعه خوش می‌تابد / خورشید شقیقه شقایق رنگش

مرده پرست نیم / ..... هر صبح و شام / رو به قبله یاد تو / نماز افسوس می‌گذارم

در یادکرد ارزش‌های وجودی شهید، شاعران از موهبتی که پروردگار نصیب آنان نموده نیز غافل نمانده و شهادت را که عزیزترین صورت پرواز به حیات ابدی است، قسمت آنان می‌دانند. این در حالی است که صورت دیگر رفتن به آن سرا، مرگ به شکل طبیعی است.

از دید حسینی شهیدان نه تنها از مرگ هراسی به خود راه ندادند بلکه بی هیچ ترسی، مرگ را به سخره گرفتند و خود به استقبال آن رفتند. او معتقد است که شهیدان در این راه و رسم آیینی و بهنجار، هنجار شکنی و به نوعی سنت‌گریزی کردند؛ چراکه آنها مرگ سیاه و هولناک را به مرگ سرخ و شیرین و خواستنی بدل کردند. آنها مرگ را چون عروسی زیبا و خضاب به دست تصویر کردند و با خون خود مرگ را با معنایی عرفانی و معنوی آراستند. آنها از گذرگاه خطرناک و دهشتناک مرگ به یاری ایمان راسخ خود به سلامت و آرام عبور کردند و داستان مرگ عذاب آور را به بوته خاموشی و فراموشی سپردند. کدام جراحت بی رحمانه است که موجب آرایش و زیبایی انسان بشود؟ مگر غیر از این است که زخم و جراحت سبب پریشانی احوال و نا بسامان کردن وضعیت روحی و جسمی بیمار می‌شود؟ حسینی در اشعارش نشان داد که زخم و جراحت دشمن نه تنها موجب پریشان حالی رزمندگان ما نشد بلکه زمینه را برای عروج و تقرب آنها فراهم کرد و مایه زینت و آرایش آنها شد.

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

### الگو گرفتن از حماسه عاشورا

حسینی نیز چون دیگر شاعران این دوره، حماسه دفاع مقدس را منشأ گرفته از حماسه عاشورا دانسته و شهیدان انقلاب را ادامه دهندگان واقعی راه سیدالشهدا می داند. تفکر غالب در شعر این دوره تأثیرپذیری از واقعه کربلا و حماسه خونین عاشورا بود. می توان گفت که مهمترین انگیزه رزمندگان انقلاب برای مقاومت در برابر رژیم پهلوی الگوپذیری از سیدالشهدا و یاران باوفای ایشان بود. هنوز/ تقدیر کهکشانیهای ناملموس/ بر مدار/ خون دنباله دار تو/ احساس می شود.

مردم ایران در پناه ایمانی راسخ و استوار، بیگانگان را به ستوه آوردند. ایمان آنها برنده ترین و تیزترین شمشیرها بود. سلاحی که هم ابزار جنگی آنها بود و هم سپر و محافظ آنها از خطر لغزش؛ بزرگترین قویترین ابزار جنگی دشمن در برابر این سلاح با ارزش نمی توانست کاری از پیش ببرد. مردم مسلمان ایران با تکیه بر ایمان راسخ و توکل به خدا و توسل جستن به ائمه معصومین (علیهم السلام) از جمله امام حسین (ع) محشری عظیم برپا کردند. حسینی ایمان را سدی مستحکم دانسته که دشمن زورگو نتوانست آن را بشکند و در میان مردم نفوذ کند.

بکش شمشیر ایمان را،

بزن راه پلیدان را

به چنگال جهانخواران

فرو کن خنجری دیگر

هما آواز خمینی شو،

ز جان و دل حسینی شو

بزن در عرصه عالم

صلای محشری دیگر

یاران شب زنده دار

این عاشقان سینه چاک

خاک عطشناک کربلا

دلدادگان ذکر و مناجات نیمه شب

شبانه بر دشت گلگون قامتشان

دهان زخم شقایق می خندد

و بند بند رگان غیرتشان جاودانه

کتاب سرخ شهادت را شیرازه بستند

«گنجشک و جبرئیل» و «نوش داروی طرح ژنریک» و «همصدا با حلق اسماعیل»

حسن حسینی شاعری شیعی است و انقلاب و جنگ را نهضتی میداند که ادامه دهنده راه امام حسین (ع)

است. از این منظر نگاه وی به وقایع انقلاب برگرفته از فرهنگ غنی عاشورا است. وی رزمندگان را یاورانی

می داند که به ندای «هل من ناصر» سیدالشهدا پاسخ گفته اند:



دیروزت اگر رو به قتال آوردیم در پاسخ تو زبان لال آوردیم  
امروز به خیمه‌گاه آن دعوت ناب صد علقمه لیبیک زلال آوردیم  
لب تشنه‌ام از سپیده آیم بدهید جامی ز زلال آفتابم بدهید  
من پرسش سوزان حسینم یاران! با حنجر عشق جوابم بدهید  
تلفیق فرهنگ عاشورا با انگیزه‌های میهنی و دفاع از کیان خود جایگاه ویژه‌ای در شعرهای حسن حسینی به خود اختصاص داده است.

حسینی در مجموعه شعری گنجشک و جبرئیل مضامین دینی و مذهبی شیعی را به گونه‌ای بدیع وارد شعر معاصر کرد. وی با الهام‌گیری از واقعه و حماسه عاشورا، حماسه جنگاوران انقلاب را به نظم در آورد. مجموعه شعری همصدا با حلق اسماعیل وی نیز سرشار است از مفاهیم تکاپو و تحرک رزمندگانی که همچون شهاب شب را شکستند و با مبارزه پیوسته و آگاهانه خوددییو سیاه شب را از بین بردند. او برای بیان اعتقادات و احساسات خود در رابطه با شهید و شهادت شعر را برمی‌گزیند و در این راستا در قید و بند قالب خاصی نیست؛ به همین دلیل شعر در روزگار انقلاب اسلامی با حضور شاعرانی همچون او تازگیهای خاصی را تجربه می‌کند.

### نتیجه‌گیری:

شهید و شهادت از موتیفهای اصلی شعر در دوره معاصر به ویژه دفاع مقدس به شمار می‌رود. فرهنگ سرنوشت ساز شهادت در جامعه اسلامی ایران لرزه بر اندام دشمنان افکند و آنها را از نفوذهای بیشتر در دژهای مستحکم مردم ایران مأیوس کرد.

محتشم کاشانی از جمله پیشگامان عرصه سرایش شعر با مفهوم شهادت و با انگیزه رثای امام حسین بوده و تمام مقدسات شهادت را در شرح واقع عاشورا به شعر در آورده و نکات مهمی را متذکر می‌شود. همچنین عمان سامانی نیز به حق شاگرد محتشم بوده و دقیقاً مسیر وی نیز در سرودن اشعار عاشورایی و رثای امام حسین (ع)، مسیر و مفاهیم مدنظر محتشم کاشانی بوده است. از طرفی در این مقاله بررسی اشعار سید حسن حسینی نیز مطرح بوده است. سید حسن حسینی توانست این موتیو را به نحو عالی و بارز در شعرش منعکس کند. او با بیانی صریح و قاطع، نمادین و تمثیلی در طی دو اثر از مهمترین آثار گران سنگ خود به توصیف حرکت خداجویانه رزمندگان میدانهای نبرد حق علیه باطل پرداخت و پرواز مرغ جان‌ها را به سوی آسمان معنویت عاشقانه و عارفانه تصویر کرد. وی در راستای تحقق بخشیدن به اهداف میهن پرستانه خویش، از اشارات قرآنی و تاریخی و اسطوره‌ای تأثیر پذیرفت. آنچه که از تأمل کردن در اشعار وی برمی‌آید این است که او خود را وامدار مکتب سیدالشهدا و یاران باوفای وی میدانست و توانست اندیشه‌های مذهبی خود را در اشعارش منعکس کند. نکته دیگری که از اشعار او می‌توان به دست آورد احساس مسئولیت و تعهد وی در قبال شهیدان و رزمندگان و خانواده‌های داغدار آنان است. تلاشهای وی

در جهت حفظ یاد و خاطر شهیدان گلگون کفن و نیز حفظ تقدس آرمانهای ایشان در خور تقدیر و ستایش است. در نهایت می‌توان حسینی را علمدار شعر شیعی و مذهبی و پیشتاز هنر زبانی، بیانی در عرصه دفاع مقدس و معاصر دانست. و میتوان به صراحت گفت در این مقاله هر سه شاعر در یک راستای مشخص الگوی سرایش شعر در مدح شهید و شهادت به الگوی رفتاری اصلی سید الشهداء اقتدا کرده و با حرمت به مقوله شهادت پرداخته اند.

### فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابراهیمی میاندار، حسین، اشعاری در رثای سردار شهید محمود کاوه، نشر رواق مهر، ۱۳۸۱
- ارباب، محمد حسین، کتاب حماسه های همیشه، انتشارات سوره، ۱۳۷
- حسینی، سید حسن، ۱۳۸۸ همصدا با حلق اسماعیل، تهران، سوره مهر، پنجم.
- حسینی، حسن، وداع، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، نشر سوره مهر، ۱۳۸۱
- حسینی، حسن، وداع، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، نشر سوره مهر، ۱۳۸۱
- حسینی، سید حسن، رباعی امروز، تألیف محمدرضا عبدالملکیان، انتشارات برگ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸.
- ذوالفقاری، حسن، «دکتر سید حسن حسینی»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره ۱۸، ش ۲ (زمستان ۱۳۸۳
- صدر، سیدرضا، ۱۳۸۵، پیشوای شهیدان به اهتمام باقر خسرو شاهی، ویرایش دوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- قاسمی، حسن، ۱۳۸۱ صور خیال در شعر مقاومت، تهران، فرهنگ گستر.
- گنجینه الاسرار، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات محمدعلی مجاهدی، مؤسسه مطبوعاتی مجاهدی، تبریز ۱۳۴۵.
- نهج البلاغه، بی تا، ترجمه و شرح حاج سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا.

